

ملاحظات نقاله برای راندن جوانان انقلابی به حاشیه

۸ فروردین ۱۳۹۵ ساعت ۰:۴۲

در چنین شرایطی تقویت آگاهی و حساسیت سیاسی- اجتماعی و دوری از بی تفاوتی در جهت مشارکت حداکثری آحاد شهروندان به ویژه جوانان در سرنوشت عمومی از ارزش های ترویجی و مورد حمایت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود که تجربیات تاریخی به ویژه طی نزدیک به چهار دهه گذشته بر اهمیت آن افزوده است. البته جریان هایی نیز در کشور در برخی موقعیت های زمانی و به اقتضا، دیدگاهی معکوس را به نمایش گذاشته اند.

جوان و تاریخ- شهاب الدین سینایی

در زمره سرمایه های ملموس و ناملموس اجتماعی اعم از انسجام ملی، پویایی جمعی و مشارکت، ارزش ها و انگیزه های مذهبی، قانونگرایی و ... می توان به جوانی جمعیت یا به عبارتی نیروهای جوان جامعه اشاره کرد. البته ارزشی این سرمایه علاوه بر عنصر سنی به طور مستقیم با کیفیت این نیروها ارتباط می یابد.

به عبارت دیگر زمانی می توان نیروهای جوان جامعه را سرمایه هایی ارزشمند به شمار آورد که این نیروها با سطح کیفیت بالا در موقعیت برانگیختگی، کارکردهای مورد نظر را در جهت خیر عمومی به نمایش بگذارند و برکنار از رکود، رخوت و محافظه کاری و بسندگی به نفع شخصی نقش های مورد نیاز برای تحقق خیر عمومی در جامعه را برعهده گیرند.

به باور شماری از صاحب نظران مسایل اجتماعی یکی از مولفه های تعیین کیفیت شهروندی، به ویژه شهروندان جوان میزان آگاهی و شناخت آنان از واقعیت های سیاسی- اجتماعی جهان پیرامون است. البته در این باره نگاه هایی با ۱۸۰ درجه اختلاف نیز وجود دارد که ناظر بر ترویج بی تفاوتی در امور سیاسی است که گستردگی این نگاه تنها محدود به نظام ها توتالیتر نیست و می توان شاهد شیوع آن در شبه مردمسالاری های غربی نیز بود. به این ترتیب وضعیت کنونی بسیاری از جوامع و شهروندان را می توان معکوس با فلسفه برپایی نظام های مردمسالار از دید اندیشوران باستانی چون ارسطو دید که نیل به خیر عمومی را هدف غایی نظام های سیاسی مطلوب می شمردند.

در چنین شرایطی تقویت آگاهی و حساسیت سیاسی- اجتماعی و دوری از بی تفاوتی در جهت مشارکت حداکثری آحاد شهروندان به ویژه جوانان در سرنوشت عمومی از ارزش های ترویجی و مورد حمایت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود که تجربیات تاریخی به ویژه طی نزدیک به چهار دهه گذشته بر اهمیت آن افزوده است. البته جریان هایی نیز در کشور در برخی موقعیت های زمانی و به اقتضا، دیدگاهی معکوس را به نمایش گذاشته اند.

در این باره می توان به سخنان رهبر معظم انقلاب طی هفته های اخیر در مورد نقش جوانان در جامعه و نگرانی های موجود در این زمینه اشاره کرد که فرمودند: «سعی دشمنان این است که جوان ما را لابلالی بار بیاورند. نسبت به انقلاب بی تفاوت بار بیاورند، روحیه حماسه و انقلابی گری را در او بکشند و از بین ببرند که جلوی این باید ایستاد... مسئولین کشور نیز جوان های انقلابی را گرمی بدارند. این همه جوان های حزب اللهی و انقلابی را برخی از گویندگان و نویسندگان نکوبند به اسم افراطی و امثال این ها. جوان انقلابی را باید گرمی داشت.»^[۱]

نکته ای که اینجا باید آن را یادآوری کرد نقش جوانان انقلابی در مراحل و صحنه های گوناگون تاریخ انقلاب، از پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس گرفته تا سازندگی کشور، مشارکت در همه عرصه های مورد نیاز و حساسیت بالا نسبت به تحولات جامعه در زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و ... است؛ نقشی که به دلیل خودانگیختگی و قرار داشتن در مسیر تحقق منافع، اهداف و در نهایت آرمان های ملی در برخی مواقع تعارض هایی با مطامح برخی جریان ها و گروه های سیاسی یافته است.

در چنین صحنه های تعارضی یکی از تاکتیک های از میدان به در کردن این جوانان انقلابی انگ زنی به آنان زیر عنوان هایی چون متعصب، افراطی و ... است که بارها در مراحل گوناگون تاریخ انقلاب شاهد آن بوده ایم. البته این فرایند منحصر به محدوده جغرافیایی و زمانی خاصی نیست و تجربه های تاریخی به ویژه در جوامع پساانقلابی در این زمینه به اشکال مشابهی قابل رویت و بررسی است. صاحب نظری چون چالمرز جانسون^[۲] بر این باور است در جوامع پساانقلابی در مراحل میل شدیدی در میان دسته ای از نخبگان برای بازگشت به شرایط پیش از انقلاب بروز می یابد که در برابر خواست آرمانگرایان قرار می گیرد؛ آرمانگرایانی که در میان جوانان حساس به عنوان نیروهای اصیل انقلاب حضور دارند و نماینده خواست توده ها برای تحقق اهداف انقلاب به شمار می روند.

هر چند تعارض دیدگاه جوانان انقلابی با منافع جریان ها و گروه های سیاسی ناهم سنخ با ارزش ها و آرمان های انقلاب نوعی کشمکش و رویارویی پایان ناپذیر و گاه آشتی ناپذیر به شمار می آید اما همین گروه ها و جریان های واپسگرا خود آگاهند که بدون حضور نیروهای اصیل انقلابی در عرصه های مورد نیاز چالش های جدی می تواند پیش روی سرنوشت مشترک این دو طیف خودنمایی کند.

در این زمینه تهدیدهای امنیتی پیش روی کشور را می توان مثال زد که برآمده از قدرت سخت و قدرت نرم دشمنان خارجی نظام

سیاسی و شهروندان ایرانی است. پس از نزدیک به یک دهه رویارویی سیاسی-نظامی - امنیتی مستقیم و غیرمستقیم ایران با آمریکایی ها طی سال های جنگ تحمیلی که جوانان انقلابی صحنه گردان اصلی عرصه دفاع بودند، همچنان کشور با تهدیدهای امنیتی سخت افزاری رو به رو است که این مساله نقش اساسی این نیروهای اصیل انقلاب را برجسته می سازد.

البته ناکارآمدی این گونه تهدیدهای سخت برای تغییر برخی نظام های ناهمسو سبب تحول در طرح های عملیاتی و کنشگری آمریکایی ها شده است که اندیشمندی چون جوزف نای^[۳] در اواخر سده گذشته تحت عنوان قدرت نرم از آن رونمایی کرد.

در این زمینه نیز نقش جوانان انقلابی به ویژه در عرصه های سیاسی و فرهنگی با پررنگ تر شدن عنصر آگاهی چشمگیر است. این در حالی است که قدرت نرم از طریق ایجاد افتراق بین نیروهای سیاسی هدف یارکشی در جوامع هدف را دنبال می کند و در چنین شرایطی است که لابلایی کردن جوانان از یک سو و به حاشیه راندن جوانان انقلابی بر مبنای ملاحظاتی که جریان های واپسگرا به عنوان نوار نقاله گذار به عقب ایفا می کنند در قالب دغدغه های رهبر انقلاب بیان می گردد.

پی نوشتها

[۱]- بیانات در جمع اقشار مختلف مردم (۱۸ شهریور ۱۳۹۴)

[۲]- Chalmers Johnson

[۳]- Joseph Nye

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۰۴۷/ملاحظاتی-چون-نای-ملاحظاتی>